

هدایت نوجوان به سوی نماز

دکتر علی قائمی

دو درهم دارای تأثیر و تاءثرند، از آن بابت که حیات انسان دارای صورت اجتماعی است.

در طریق اصلاح

در طریق اصلاح و به عنوان امری مقدماتی، نخست توجه به نکاتی برای ما اصل و ضروری است. قبل از هر چیز معروض می‌داریم که در رفع یک عارضه و اصلاح یک نابسامانی باید از همان راهی بر نوجوان وارد شد که عوامل و شرایط در او وارد شده و نفوذ کرده‌اند. برای خشکاندن درخت فتنه‌ای بهترین است که ریشه‌ها را بچسکانیم و برای زدودن آثار و عوامل امری بهتر است به علتها توجه کنیم. بدین سان، مادام که در فرد ریشه یا عوامل جهل و غفلت و تن پروری و بی رغبتی زودده نشوند، مادام که خانواده‌ها سروسامان نداشته و با بی توجهی و بی برنامه باشند، مادام که دوستان و معاشران ناباب فردی را احاطه کرده و در میان گرفته‌اند، و نازمانی که جو جامعه و شرایط محیط نابسامان و آشفته است، امید به اصلاح بسیار ناچیز و اندک خواهد بود. برنامه ریزیهای اصلاح نوجوان در محیط خانه و زندگی یک سوی قضیه است، و تلاش برای کنترل جامعه و محیط سوی دیگر آن، و این

حل تضادها و تعارضها

ما معتقدیم رابطه‌ای است بین شرایط حیات سیاسی - اجتماعی انسان، با حیات فردی و معنوی او. شاید این سؤال به ذهن عسده‌ای خطور کند که چه رابطه‌ای است بین رشوه‌خواری فلان مسئول اداری با بی‌نمازی فلان نوجوان و جوان؟ یا چه رابطه‌ای است بین فساد فلان روحانی و بی‌دینی فلان فرد؟ بنده عرض می‌کنم که رابطه وجود دارد، و اتفاقاً شدید هم هست. و این مساءله هم مورد تاءبید مذهب است و هم در دنیای علم از آن بحث به عمل می‌آید. از نظر علمی رفتار آدمی لاقلاً در کسرو دو عامل است:

۱ - اندیشه که جای آن در ذهن و روان است و طراحی هادر آنجا صورت می گیرند ،
 ۲ - اجرای اندیشه که در اختیار و درکرو اعضاست و برطبق فرمان و طرح انجام می پذیرند .

طراحی های فکری در سایه رهبری عالمان و صاحب نظران و مشاهده عمل فرمانروایان است .
 بیش از ۱۴۰۰ سال قبل این عبارت معروف از رسول خدا (ص) آمده است که **صِفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحًا صَلَحَ النَّاسُ وَإِذَا فَسَدًا فَسَدَ النَّاسُ : أَلْعُلَمَاءُ وَالْأُمَرَاءُ** . دو گروه از امت منند که اگر آنها صالح و شایسته باشند جامعه صالح می شود و اگر آنها فاسد و تباہ شوند مردم فاسد خواهند شد : آن دو گروه عبارتند از علماء که رهبران فکری مردمند و امراء که رهبران اجرایی مردم هستند . بدین سان وجود چنان شرایطی ولو اندک ، در یک جامعه تضاد آفرین است و اصلاح نوجوان و جوان در کـرو حل آن می باشد .

رابطه درون و بیرون

دامنگیری مفاسد ، جاذبه های آلوده موجود در اجتماع ، زلفها و بدنهای عربان ، صحنه های بدآموز و تحریک کننده ، نواها و نغمه های حرام چنان پرده ای بردلها می کشند که آن راتوان مشاهده و ارتباط با ظرایف و لطایف معنویست نیست .

چشمی که در ساعات روز به تماشای زلفهای گوناگون عرضه شده در خیابان و بازار ، ارائه شده در فیلم و سینما و نوارهای ویدئویی انس گرفته آیا می تواند عالم ملکوت را ببیند ؟ دلی که در گرو حرکات و رفتار فلان رفاصه در

فلان فیلم داخلی یا خارجی است آیا می تواند در گرو محبت خدا قرار گیرد ؟

مگر نه این است که ما از نظر علمی و دینی فائل به ارتباط درون و بیرون هستیم ؟ مگر باور نداریم که چشم جاسوس دل است ؟ مگر نپذیرفته ایم که حواس مادرچه هایی از جهان خارج به داخلند ؟ مگر انقلابات درونی و بیرونی ما تحلیلات متقابل ندارند ؟ در آن صورت برای اصلاح درون باید بیرون را ساخت ، و برای پاکی دل ظاهر را هم باید آراست .

می خواهیم بگوییم و سوسه های جهان کوجه و بازار ، تحریک سازبهای نوارها و فیلمها و سینما و تلویزیون ، مصونیت دل را از نوجوان سلب می کنند و روح تقوا و عبادت را از اومی - گیرند . حتی ممکن است نوجوان در اثر تماشای زلفهای آلوده ، دختری اروپایی احساس لذت در عین گناه داشته باشد و با خود حساب کند دیگر نماز به چه دردی می خورد ؟ من که تماشاچی فلان صحنه گناه و اهل جهنم ، دیگر چه فایده ای برای نماز من ؟ غرض این است که تا این جنبه ها سامان نیابند ، آن مشکل حل نخواهد شد .

شیوه های جلب و جذب

در عین حال ، و در عین حضور چنان شرایط وجو ، وظیفه ، تربیت از والدین و مربیان سلب شده نیست . ما را وظیفه هدایت و ارشاد است . باید زیر بازوی نوجوان را گرفت و از هر راه . ممکن در امر جهت دهی او اقدام به عمل آورد . اما اقدامات در چند جنبه باید صورت گیرد :

۱ - در رابطه با خود نوجوان

تلاشهایی که در این باره باید صورت گیرند عبارتند از :

— جهل زدایی از طریق والدین و مربیان، با استفاده از توان بیانی، کتب، محلات، نوشته‌ها.

— ایجاد رغبت از طریق برقراری رابطه انس با نوجوان، پذیرش و رفاقت با او.

— استفاده از حساسیت و شور و هیجان مذهبی و شور عرفانی نوجوان و نشان دادن صحنه‌های مهیج مذهبی.

— ایجاد اعتقاد در نوجوان نسبت به احاطه و نظارت بی‌انقطاع خدا بر اعمال و رفتار از طریق بحث‌های خانوادگی و جلسه‌ای.

— استفاده از فکر انتزاعی نوجوان برای ادراک پدیده‌ها و قدرت خداوندی که او در این سن می‌تواند روابط لازمی را که میان انواع مختلف پدیده‌ها وجود دارد درک کند و روابط علت و معلولی را بفهمد. ۲

— آشنا کردن نوجوان با حقیقت این جهان که این کار مستلزم شهامت بسیاری است. ۳

— قراردادن تربیت برپایه رشد با توجه به خصایص نوجوان که مورد نظر اسلام است (سَبْعَةٌ نُظِّلَهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ... وَسَابَّ نَسَاءً فِي عِبَادَةِ اللَّهِ). ۴

— یادآوری نعمتهای خداوند (وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِثْقَالَ النُّجَى وَاتَّقُوا اللَّهَ يَوْمَ تَكُونُونَ فِي أَعْيُنِنَا). ۵

— پاسخ به پرسش‌های مذهبی و تجهیز نوجوانان به دفاع از مذهب.

— زمینه سازی برای خودیابی، خودسازی و محاسبه نفس.

این نکته را نیز باید افزود که اصولاً دعوت به مذهب و از جمله نماز منحصر به سه

طریق است: بیان حقایق و معارف تفصیلی، موعظه و نصیحت، مباحثه و بحث.

البته نقش دادن بیشتر و آگاهی به افراد و آنگاه تقویت عزم و اراده آنان در جهت یابی به سوی مذهب و تعالیم آن نقش اساسی دارد. به این آیه قرآن توجه فرمایید که مقصد و منظور ما را به وجهی نیکو می‌رساند:

رَعِمَ السَّيِّئِينَ كَفَرُوا أَمْ لَنْ نُبَعِّثَنَّهُمْ وَلِيٍّ نَبِيٍّ، ثُمَّ لِنُبْعِثَنَّهُنَّ، ثُمَّ لَنَنْبِتُنَّهُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ. فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ... ۶

۲ - در رابطه با خانواده

در این زمینه نکات و برنامه‌هایی است که رعایت آنها در جلب و جذب افراد مؤثر است. مادر این ارتباط به اهم آنها عنایت می‌کنیم:

— بعدالگویی خانواده به گونه‌ای که پدر و مادر به هنگام نماز همه کارها و برنامه‌های خود را تعطیل کنند و به سوی نماز روی آورند و این خود درسی سازنده و عملی است.

— استفاده از جاذبه‌های صوتی و کلامی برای جلب و جذب، مثل قرائت نماز با صدای خوب، بالحن خوب و جذب کننده، با سخنان آهنگ دارو...

— ایجاد رابطه با نوجوان با استفاده از عواطف گرم خانوادگی، اعلام محبت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف، و گاهی هم بهره‌گیری از مهر و قهر به صورت نوا.

— استفاده از زمینه تشخیص طلبی، مسوولیت خواهی، مشاور و همدم گرفتن، یاری و معاونت خواهی در امور و در نتیجه بموقع جهت دادن نوجوان.

می گذارد و حتی باور و ایمان او را تحت تاء شیر قرار می دهد (الْمَرْءُ عَلَىٰ دِينِ خَلِيلِهِ وَ قُرْبَانِهِ) و تاء شیر آن در این مرحله شدید است تا حدی که به گفته "هلن دوچ": آنها خود را برای دوست به زحمت می اندازند و البته چنین حالتی در دختران شدیدتر است ۹.

معاشرتها به همان گونه که عامل مصونیت اخلاقی هستند در مواردی عامل فساد و انحراف می گردند. اگر بتوانیم شرایطی فراهم سازیم که نوجوان را با دوستان و معاشران مذهبی و تربیت یافته همدم سازیم، بخشی مهم از راه طولانی و عظیم تربیت مذهبی او را طی کرده ایم.

نقش گروه همسالان در سه مرحله ازدوران حیات از نقش پدر و مادر هم بیشتر است، از جمله در سنین بلوغ و نوجوانی^{۱۰}!... چه بسیار از نوجوانان که خود را کاملاً با دوستان خود همگون می کنند و بر اساس آن یا ساخته و پرداخته می شوند و یا خاندان نبوت خود را گم می کنند.

— کنترل‌های غیر مستقیم و مراقبه درباره نوجوان، زیر نظر داشتن برنامه او، بموقع تذکر دادن و واداشتن او به نماز، که البته این تذکر نباید صورت خشونت، رسواگری و تنبیهی داشته باشد.

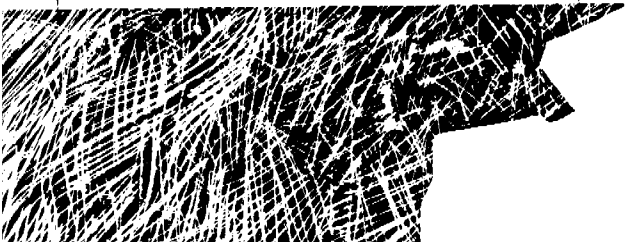
— وسر حجام توجه به این نکته علمی و اسلامی که دل می تواند دل را هدایت کند. سخنی از مربی در دیگران مؤثر است که برخاسته از جان و دل باشد. خلوص ها و الفاظ نشاءت گرفته از ایمان و باور درونی کار سازند و نمونه‌ها در این موارد بسیار.

۳ — در رابطه با معاشران

می دانیم نوجوانان در دوستی آسان پذیر، افراطی و اسیر رفاقتند. و این حالت در آنان از سنین اول نوجوانی آغاز می شود، به گونه ای که سن ۱۱ را سن رفاقت بازی خوانده اند!^{۱۱} دوست و معاشر اصولاً "در جان و دل انسان اثر

۴ — همگام ساختن با الگوهای نافذ

این هم چهره‌های دیگر از مسأله معاشرت است. به این نکته تحقیقی توجه کنیم که دختران از سنین ۱۲ و کمی بعد از آن پسران با ایدآلهای دوران بلوغ محذوب شخصیت دیگران می شوند و حرف و سخن آنها در آنان جدا "مؤثر است". گاهی در این سن احساس آشکاری نسبت به دیگران پیدامی کنند و سخن و عمل فردی مهم که از وجهه اجتماعی مناسبی برخوردار است (و



بخصوص که نوجوان ببیند دستگاهاوسازمانهای رسمی و غیررسمی برای او و سخنانش ارزشی قائلند و او را فردی مورد اعتنا جلوه می دهند) افکارشان راتحت الشعاع قرار می دهد و دائما " تحریکش می کند که فلان شیوه و روش را عملی کند .

برنامه های رادیو و تلویزیون را درنظر آوریم . گاهی یک روحانی رامی بیند که برنامه های مداوم خود ، باذکر داستانها و اجرای شیوه های خاص تبلیغی نظر عده ای از نوجوانان و جوانان را به خود جلب می کند . نام و ذکر او در سرزبانها می پیچد و گروههای بعدی رابه سوی خود متوجه می سازد . خانواده ها با سوق دادن نوجوانان به سوی این گونه افسرادو تبلیغات آنان ، ودرخواست چنین شخصیتی از نوجوانان - از روی مهر و عاطفه - که برنامه نماز را ترک نکنند ، در آنها شدیداً " مؤثر است .

به همین گونه است جهت دادن نوجوانان به عضویت درتشکیلات و گروههایی که درمسیر مذهب و عبادت و نمازند . زیرا شدیداً " تحت نفوذ گروهند وحتی اگر مؤمن به نماز هم نباشند ، به سوی آن کرایش بیدامی کنند و لااقل این حالت درآنان به صورت عبادت درمی آید . طبیعی است که اگر درگروه و تشکیلات معنویت و راه و رسمی نشاءت گرفته از ایمان وجود داشته باشد و تحت رهبری فردی مؤمن باشد ، امید هدایت بیشتر است .

۵ - اصلاح جو و شرایط محیطی

به این نکته هم عنایت کنیم که شرایط جو و محیط در سازندگی یا ویرانی بنای اخلاق و مذهب شدیداً " مؤثرند . ما امروزه حتی از نظر

علمی قائلیم که محیط فاسد و مسموم زمینه ساز فساد است و محیط صالح و شایسته زمینه ساز صلاح و فساد افراد به حدی مؤثر است که بسیاری از جامعه شناسان و حتی روان شناسان اجتماعی وبه دنبال آنها ، نظریه پردازهای سیاسی و فلسفی سعی کرده اند که همه جرائم و انحرافات رابه جو جامعه و نظام یک مملکت متصل بدانند وحتی محازات محرم راتخطئه کرده وآن را نوعی اقدام در از بین بردن معلول ذکر کرده اند نه علت ، وقائلند جامعه و نظام باید محکوم شود نه فرد . مارا از نظر عقیدتی چنین اندیشه ای نیست و نقش مسوؤ ولیت فردی را در افراد نادیده نمی - گیریم . ولی این مسأله راهم در نظر داریم که مسأله جو و محیط اجتماعی کم بنایی نیست . شما اندیشه اسلامی را مورد توجه قرار دهید که گذران اوقات را در محیط گناه نوعی گناه می شناسد ، اگر چه آدمی درآن مفاستد مشارکت نداشته باشد . ماحق نداریم در مجلس شراب یا قمار حاضر باشیم ، اگر چه قمار نمی کنیم ویا شراب نمی نوشیم (لَا يَتَّبِعِي لِمَوْءِنِ أَنْ يَخْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ) . واین امر شاید بدان خاطر است که جو گناه فضای روان را مسموم می سازد و خانه دل راتاریک می نماید . و نیز شاید به همین علت است که مسلمان حق ندارد در محیطی آلوده و مسموم ، و درجایی که قادر به حفظ دین و عقیده خود نیست زندگی کند . و اقل وظیفه او مهاجرت و کشاندن خود به محل و محیطی دور از آلودگی است . إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَلَمِي أَنفُسِهِمْ ، قَالُوا فِيْمَ كُنْتُمْ ؟ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ - قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا ؟^{۱۲}

بیدین سان ما قائلیم جو و شرایط محیطی باید سازنده و دعوت کننده به عبادت و تقوا

در میان مسوئولان و مجریان وحدت نظیر، هماهنگی و خواستاری اجرای یک طرح وجود داشته باشد. مسوئولان در هدف، محتوا و روش اتفاق نظر داشته باشند و در تحقق یک آرمان در تضاد و تعارض فکری از نظر کیفیت اجرا نباشند. این باور جدی ماست که می‌توان افراد مملکت را به همان شرط نمازخوان کرد.



باشد. تشکیل اردوها و برنامه‌های یک روزه که در آن زندگی اسلامی به مورد اجرا و عمل گذارده شود و به صورت دسته جمعی برنامه، غذا و ورزش و نماز انجام گردد، در این راه مؤثر است. و برعکس محیط‌های فاسد و آلوده عوامل جذب انسان به گناه و فساد، گسترش مفاسد و انحرافات در یک جامعه، وجود برنامه‌های غافل‌کننده، مستی و بی‌خبری، شرکت در مجامع آلوده، سرگرم داشتن بچه‌ها در اجتماعات با برنامه‌های گمراه‌کننده و سرانجام علنی کردن مفاسد، چنان پرده‌ای بر دلها می‌کشند که آدمی ناخود آگاه در صف این گروه قرار می‌گیرد. **خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً**، و چنین فردی کی می‌تواند یاد خدا کند.

۶- وحدت در فکر و عمل سازمانها

و سرانجام در قرن بیستم دو تجربه مهم و تاریخی، یکی از نازیها در کشور آلمان و دیگری از کمونیست‌ها در شوروی نشان داده و عملاً اثبات کرده‌اند که:

اگر سازمانهای متشکل و فعال، با استفاده از قدرت حکومت، با سیاست معین و روشن بر سر کار باشند، به وسیله تبلیغ و القاء عقیده از طریق تربیت، از راه مدرسه و باشگاه، موزه و کتابخانه، روزنامه و رادیو، تلویزیون و تئاتر، سرودها و آهنگ‌ها در مدتی کوتاه می‌توانند افکار و عقاید و احساسات لازم را در قلب و دماغ مردم قرار دهند و آنها را نسبت به اتخاذ رویه‌ای آماده و عامل سازند. تجارب آنها نشان داده‌اند که اگر بخواهند می‌توانند افراد جامعه را به راهی که دوست دارند جهت دهند ولی بدان شرط که:

باورقیها:

- ۱- کافی، کلینی
- ۲- روان شناسی کودکی، نوجوانی و جوانی، صفحه ۴۴
- ۳- سیری در بلوغ، صفحه ۱۵۳
- ۴- تفسیر مجمع، رسول (ص)، جلد ۲، صفحه ۳۸۵
- ۵- سوره مائده، آیه ۷
- ۶- سوره تعابین، آیه ۷
- ۷- مراحل تربیت، فصل ۵
- ۸- رسول کرامی اسلام
- ۹- روان کاوی دختران، صفحه ۳۸
- ۱۰- زمینه جامعه شناسی، آگ برن - نیم کوف
- ۱۱- تحف العقول، امام صادق (ع)
- ۱۲- سوره نساء، آیه ۹۷
- ۱۳- سوره بقره، آیه ۷